

The Relationship Between Culture and Architecture in Syria

Diyana Hariri¹

Seyed Behshid Hosseini²

Manoochehr Moazzemi³

Mohammadreza Rahimzadeh⁴

Received Date: 15 August, 2025

Accepted Date: 04 October, 2025

<https://doi.org/10.30480/ARCAND.2025.5991.1078>

Abstract

Syria, as one of the world's oldest centers of civilization, possesses a rich and diverse architectural heritage that has been shaped throughout history by various cultures and beliefs. The architecture of this country, which has continued from ancient times to the present, reflects a complex and multi-layered cultural identity in which traces of different civilizations can be observed. This land, which has always been a meeting point for trade and cultural routes, has witnessed the formation of unique architectural styles where indigenous elements have been integrated with external influences. However, recent civil wars and socio-political crises have posed serious threats to this valuable heritage and destroyed a significant portion of historical buildings. Moreover, the introduction of modern architectural styles and the lack of attention to indigenous architectural principles have created an identity crisis in contemporary Syrian architecture and threatened the traditional connection between culture and spatial structure. The aim of this research is to explain the deep relationship between culture and architecture in Syria and to examine how cultural, religious, and social factors influence the formation of architectural styles, particularly in traditional houses. This study was conducted using a descriptive-analytical method based on documentary data and library studies, including case studies of the historical cities of Damascus and Aleppo. The results show that Syrian architecture possesses characteristics such as central courtyards, use of natural materials, and climate-appropriate design that reflect the social and cultural needs of the people of this land. Furthermore, the findings indicate that the civil war has led to the destruction of thousands of historical buildings and confronted Syrian architectural identity with serious challenges. Analysis of Damascus and Aleppo demonstrates that the traditional architecture of these areas represents a harmonious combination of climatic, social, and religious factors. Ultimately, preserving and reconstructing Syria's architectural heritage requires special attention to indigenous architectural principles and cultural identity.

Keywords: Culture, Architecture, History, Syria

1. Ph.D. candidate, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Iran University of Art, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)

Email: dianahariri.1989@gmail.com

2. Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Iran University of Art, Tehran, Iran.

Email: behshid_hosseini@art.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Iran University of Art, Tehran, Iran.

Email: m.moazzemi@art.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Iran University of Art, Tehran, Iran.

Email: m.rahimzadeh@art.ac.ir

تبیین رابطه‌ی فرهنگ و معماری در سوریه: تحلیلی تاریخی از تأثیرات تمدن‌های چندگانه و بحران‌های معاصر*

دیانا حریری^۱

سید بهشید حسینی^۲

منوچهر معظمی^۳

محمدرضا رحیم‌زاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

<https://doi.org/10.30480/AR.CAND.2025.5991.1078>

چکیده

سوریه به‌عنوان یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی جهان، دارای میراث معماری غنی و متنوعی است که در طول تاریخ تحت تأثیر فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف شکل گرفته است. معماری این کشور که از دوران باستان تا امروز تداوم یافته، بازتابی از هویت فرهنگی پیچیده و چندلایه‌ای است که در آن ردپای تمدن‌های مختلف قابل مشاهده است. این سرزمین که همواره محل تلاقی راه‌های تجاری و فرهنگی بوده، شاهد شکل‌گیری سبک‌های معماری منحصر به فردی بوده که در آن عناصر بومی با تأثیرات خارجی هم‌آمیخته شده‌اند. با این حال، جنگ‌های داخلی اخیر و بحران‌های سیاسی-اجتماعی، این میراث ارزشمند را با تهدید جدی مواجه ساخته و بخش قابل توجهی از بناهای تاریخی را تخریب کرده است. همچنین، ورود سبک‌های معماری مدرن و عدم توجه به اصول معماری بومی، باعث بروز بحران هویت در معماری معاصر سوریه شده و پیوند سنتی میان فرهنگ و ساختار فضایی را تهدید کرده است. هدف این پژوهش، تبیین رابطه عمیق میان فرهنگ و معماری در سوریه و بررسی چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی بر شکل‌گیری سبک‌های معماری، به‌ویژه در خانه‌های سنتی است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس داده‌های اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و شامل تحلیل موردی شهرهای تاریخی دمشق و حلب است. نتایج نشان می‌دهند که معماری سوریه دارای ویژگی‌هایی چون حیاط‌های مرکزی، استفاده از مصالح طبیعی و طراحی متناسب با اقلیم است که بازتاب نیازهای اجتماعی و فرهنگی مردم این سرزمین هستند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که جنگ داخلی منجر به تخریب هزاران بنای تاریخی شده و هویت معماری سوریه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. تحلیل شهرهای دمشق و حلب نشان می‌دهد که معماری سنتی این مناطق نمایانگر ترکیبی هماهنگ از عوامل اقلیمی، اجتماعی و مذهبی است. در نهایت، حفظ و بازسازی میراث معماری سوریه مستلزم توجه ویژه به اصول معماری بومی و هویت فرهنگی است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، معماری، تاریخ، سوریه.

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: dianahariri.1989@gmail.com

۲. استاد، گروه معماری، معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

Email: behshid_hosseini@art.ac.ir

۳. استادیار، گروه معماری، معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

Email: m.moazzemi@art.ac.ir

۴. استادیار، گروه معماری، معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

Email: m.rahimzadeh@art.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول به راهنمایی و مشاوره نویسندگان دوم تا چهارم است

سوریه به دلیل واقع شدن در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا در شرق مدیترانه، از موقعیتی راهبردی برخوردار بوده است. این سرزمین از یک سو مورد توجه ادیان بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت، و از سوی دیگر مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و کانون جنگ‌ها و مهاجرت‌های اقوام مختلف بوده است (الحمصی، ۱۹۸۲: ۸۰). به همین دلیل، سوریه ترکیبی نامتجانس از گروه‌های قومی و مذهبی گوناگون است. معماری، به عنوان یک پدیده اجتماعی، از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد و بازتابی از اندیشه‌های انسانی در رابطه با فضا، زیبایی‌شناسی و فرهنگ است (Dimelli, 2023). به همین سبب، سبک معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن محسوب می‌شود و با تغییراتی که در سایر عرصه‌های زندگی به وقوع می‌پیوندد، هماهنگ است (Noaime, 2025). این تعامل و تداوم میان سبک‌های مختلف معماری، رابطه‌ای استوار ایجاد کرده که مرزبندی بین آن‌ها را دشوار می‌سازد. سوریه، کشوری است که سال‌هاست درگیر جنگ‌های متعدد بوده است. با توجه به تاریخ باستانی این کشور و معماری غنی آن، اهمیت بررسی معماری و نقش فرهنگ بر آن نمایان می‌شود (Dieb, Alsalloum & Webb, 2024). مطابق با نظریه نوربرگ-شولتز، معماری تجسم روح مکان است و بازتابی از نگاه انسان به جهان که نمایانگر ارزش‌ها، باورها و شیوه‌های زندگی جوامع مختلف در طول تاریخ بوده است (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۰). فرهنگ هر ملت پاسخگوی چگونگی شکل‌گیری فضاهاست. تجلی فرهنگ در فضاهای معماری از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد؛ برای نمونه می‌توان از عناصر، نقش‌ها، تزئینات و ترکیبات حجمی نام برد. معماری با عینیت‌بخشی به اندیشه‌ها از طریق صورت، به عنوان بازتابی از فرهنگ جامعه عمل می‌کند. نقش فرهنگ در شکل‌گیری تمام فضاهای معماری یکسان نیست، بلکه در سازماندهی فضاهای فرهنگی، آیینی و عمومی بیشتر نمایان می‌شود (رستم پور، ۱۳۹۹: ۸۹). براساس تعریف الیور، معماری بومی، معماری‌ای است که از درون جوامع رشد می‌کند و خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و با ارزش‌ها، اقتصاد، و شیوه‌های زندگی جوامعی که مولد آن هستند، در هماهنگی کامل است. به بیان دیگر، معماری مردم است و به دست مردم و نه صرفاً برای مردم طراحی می‌شود (الیور، ۱۹۹۷). در تعریف تایلور^۱ در سال ۱۸۹۱، فرهنگ مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان یک عضو از جامعه کسب می‌کند (تایلور، ۱۸۹۱). این تعریف، فرهنگ را یک مجموعه پیچیده و گروهی معرفی می‌کند که به صورت اکتسابی در جامعه شکل می‌گیرد. حضور فرهنگ در فضاهای معماری و شهری می‌تواند به شکل عناصر، نقش‌ها، تزئینات، ترکیبات حجمی یا طراحی‌های خاص نمود یابد (اشعری، ۱۳۹۴: ۴۵). سوریه، منطقه‌ای است که هشت سال تحت تأثیر جنگ قرار داشته و در این مدت طولانی شهرهای آن از اثرات تخریب ناشی از جنگ رنج برده‌اند (Sabri, 2023; Abdulmawla, 2023). در این مدت بسیاری از اجزای شهری مهم مانند بناها و زیرساخت‌های این کشور از بین رفته‌اند (امیدواری، ۱۳۹۸: ۷۸؛ Al Kassem, 2024). هرچند تخریب ناشی از جنگ، توسعه شهری را به عقب بازگرداند، اما این تخریب‌ها می‌تواند فرصتی برای احیا و بازسازی شهرها فراهم کند؛ به شرط آنکه این بازسازی‌ها در استراتژی‌های پایداری شهری گنجانده شوند (مرکبی، ۱۳۹۸: ۲۳). سوریه کنونی که در گذشته بخشی از سرزمین بزرگ شام محسوب می‌شد، یکی از نخستین خاستگاه‌های تمدن بشری است که برخلاف بسیاری از تمدن‌های باستانی، تداوم و پیوستگی تاریخی خود را حفظ کرده است (امیدواری، ۱۳۹۸: ۸۰؛ Hourani, 2025). این سرزمین که از سپیده دم تاریخ گهواره تمدن بوده است، اقوام مختلفی را به خود جذب کرده یا در معرض تاخت و تاز آنان قرار گرفته است و نشانه‌هایی از تمدن خاص خویش را برای روزگاران پسین به یادگار گذاشته است (رستم پور، ۱۳۹۹: ۹). آثار به جای مانده از آن دوره‌ها، مجموعه‌ای عظیم و متنوع را تشکیل می‌دهند که نه تنها اساس هویت ملی سوریه بلکه بخشی مهم از تمدن و فرهنگ جامعه بشری محسوب می‌شوند (اشعری، ۱۳۹۴: ۴۵). در این پژوهش به دنبال آن هستیم که به موضوع «رابطه بین فرهنگ و معماری در سوریه» بپردازیم. بدین منظور، تلاش می‌کنیم تا چگونگی تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری معماری و نقش معماری در بازتاب فرهنگ و هویت جامعه سوریه را بررسی کنیم.

1 Norberg-Schulz,

2 Oliver

3 Tylor

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه معماری سوریه و تأثیرات فرهنگی بر آن انجام شده است که به بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع از دیدگاه‌های گوناگون پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. خاکساری و جهانی موید (۱۳۹۸) به بررسی بحران هویت در معماری معاصر سوریه پرداختند و نتایج آنها نشان داد که پیشرفت روزافزون تکنولوژی و نیاز به ساخت و سازهای جدید، سیمای شهرهای سوریه را دستخوش تغییر قرار داده است. این پژوهشگران دریافتند که حضور تمدن‌های مختلف در سوریه در دوره‌های تاریخی گوناگون، نظام معماری این کشور را متأثر از فرهنگ‌های متنوع کرده، اما در دوران معاصر، دیرینگی بی‌ارزش و نوگرایی باب میل شده که منجر به از بین رفتن توازن فضاهای ساخت و ساز و اماکن اجتماعی زیر عناصر مدرنیته شده است. رستم پور (۱۳۹۹) در پژوهش «نقش فرهنگ باستانی در معماری آرامگاهی کشور سوریه» به بررسی ارتباط بین فرهنگ باستانی و کالبد مقابر در سوریه پرداختند و نتایج آنها نشان داد که معماری آرامگاه‌ها در سوریه ارتباط عمیقی با هویت و فرهنگ بومی منطقه دارد. این پژوهشگران با استفاده از روش تفسیری-تاریخی و بر اساس اسناد و مدارک، بناهای آرامگاهی سوریه را مورد مطالعه قرار داده و تحلیل کردند که چگونه کالبد این بناها با فرهنگ باستانی منطقه پیوند خورده و در نتیجه معماری با هویتی را شکل داده است که شاهد ارتباط بین بعد پنهان فرهنگی و کالبد معماری است.

دانشجو و السلیمان (۱۴۰۰) به بررسی سازگار کردن طراحی معماری مسکونی شهر حمص در سوریه با اقلیم براساس مقایسه خانه‌های سنتی و معاصر شهر پرداختند و نتایج آنها نشان داد که بناهای ارزشمندی در بافت تاریخی شهر حمص در دوره‌های مملوکی و عثمانی و به تأثیر از فرهنگ آن‌ها ساخته شده‌اند که اکنون بخشی از شناسنامه معماری سنتی سوریه را تشکیل می‌دهند. این پژوهشگران دریافتند که استعمار فرانسه بر سرزمین سوریه باعث تغییر فرم و سازه و شکل بناهای مسکونی شده و در حال حاضر این بناها با مصرف انرژی بالایی در حال بهره‌برداری هستند، بنابراین لازم است راهکارهای طراحی همساز با اقلیم در بناهای جدید شهر حمص با در نظر گرفتن ویژگی‌های معماری سنتی پیشنهاد شود.

۳. مبانی نظری

۳-۱. معماری، فرهنگ و هویت

معماری از دیرباز تنها به عنوان یک فعالیت فنی یا ساخت‌وساز مطرح نبوده است، بلکه بستر شکل‌گیری و بازنمایی هویت‌های فردی و جمعی را فراهم کرده است. بناها و فضاهای شهری، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای کارکردی، حامل معانی اجتماعی، فرهنگی و تاریخی‌اند. به تعبیر آنتونیو (۲۰۱۹)، معماری را می‌توان نوعی «متن فرهنگی» دانست که در آن ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت بازتاب می‌یابند. به همین دلیل، مطالعه معماری در نسبت با فرهنگ به مثابه یک رویکرد میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی، معماری و برنامه‌ریزی شهری اهمیت ویژه‌ای یافته است.

معماری در زمینه‌های متنوعی همچون هویت قومی، حافظه جمعی و بازنمایی‌های نمادین عمل می‌کند. به‌طور مثال، پژوهش‌های دالال و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که بناهای تاریخی و مذهبی در خاورمیانه نقشی کلیدی در بازتولید حس تعلق به مکان دارند. این امر خصوصاً در جوامع متکثر از نظر قومی و مذهبی همچون سوریه اهمیت دارد، چراکه معماری نه تنها به عنوان کالبدی برای زیست روزمره، بلکه به عنوان نماد مقاومت، هویت و استمرار تاریخی عمل می‌کند.

از سوی دیگر، در جهان معاصر، معماری به واسطه فرآیندهای جهانی‌شدن، با چالش‌های جدیدی روبه‌روست. جریان‌های جهانی سرمایه و فرهنگ، الگوهای معماری را دگرگون کرده و به سمت همسان‌سازی پیش برده‌اند (Jones, 2017). در این شرایط، بسیاری از پژوهشگران بر ضرورت توجه به «بومی‌سازی» معماری و بازاندیشی در نسبت آن با سنت‌ها و فرهنگ‌های محلی تأکید کرده‌اند (Nassar & AlSayyad, 2020). بنابراین، معماری نه تنها عرصه‌ای فنی، بلکه بستری برای چالش و گفت‌وگو میان محلی‌گرایی و جهانی‌گرایی محسوب می‌شود.

۲-۳. معماری، فضا و سیاست

معماری همواره پیوندی تنگاتنگ با قدرت و سیاست داشته است. فضاهای ساخته شده، نه فقط برای رفع نیازهای عملکردی، بلکه به عنوان ابزار کنترل اجتماعی، نمایش قدرت سیاسی و شکل دهی به روابط طبقاتی عمل کرده‌اند. فوکو در نظریه «هتروتوپیا» نشان می‌دهد که فضاها می‌توانند سازوکارهای پیچیده‌ای از قدرت را بازتاب دهند. این ایده در مطالعات جدید معماری توسعه یافته و به شکل «ژئوپولیتیک فضا» بسط یافته است.

به گفته گراهام (۲۰۱۶)، شهرها و معماری معاصر به‌ویژه در خاورمیانه، به میدان نزاع‌های نظامی و سیاسی بدل شده‌اند. معماری در این بستر نه تنها یک «محیط ساخته شده» بلکه یک «ابزار استراتژیک» است که می‌تواند به‌طور هم‌زمان سازنده یا ویرانگر باشد. در سوریه، به عنوان نمونه، تخریب گسترده محلات تاریخی و بناهای نمادین طی جنگ داخلی، تنها یک پدیده کالبدی نبوده بلکه نشان‌دهنده تلاشی سیستماتیک برای بازتعریف هویت‌های جمعی و کنترل سیاسی از طریق فضا بوده است (Al-Harithy, 2018).

علاوه بر این، مفهوم «حق به شهر» که لوفور مطرح کرده و بعدها در ادبیات جدید معماری بازخوانی شده، بر اهمیت مشارکت شهروندان در تولید فضا تأکید می‌کند. پژوهش‌های اخیر (Shawkat, 2022) نشان می‌دهد که معماری مشارکتی می‌تواند به بازسازی اعتماد اجتماعی و بازتعریف هویت‌های محلی کمک کند. در این رویکرد، معماری نه تنها به عنوان ابزار بازنمایی قدرت بلکه به عنوان عرصه‌ای برای توانمندسازی و بازسازی اجتماعی در جوامع بحران‌زده دیده می‌شود. فضاهای ساخته شده باید در پیوندی دوسویه با فرهنگ و سیاست مطالعه شوند. این امر به‌ویژه در جوامعی چون سوریه اهمیت دارد که در آن معماری نه تنها ساختار کالبدی شهر بلکه بازتابی از تاریخ، هویت و منازعه‌های سیاسی و اجتماعی است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر استدلال منطقی انجام شده است. در این روش، ابتدا رابطه میان فرهنگ و معماری در سوریه به‌طور جامع و تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و سپس تحلیل‌های کیفی و منطقی برای درک بهتر تحولات فرهنگی و معماری این کشور صورت گرفته است. این پژوهش بر اساس بررسی داده‌های اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای معتبر، بنا شده است. در این راستا، تلاش شده است که روند تاریخی تغییرات معماری و تأثیرات فرهنگی آن به‌طور دقیق تجزیه و تحلیل شود. به‌ویژه درک ارتباطات پیچیده و متنوع میان فرهنگ، تاریخ و معماری در سوریه که در طول زمان در شرایط اجتماعی و جغرافیایی مختلف به وجود آمده‌اند، هدف این پژوهش است.

پژوهش حاضر همچنین به تحلیل موردی تغییرات معماری در دوران مختلف، از دوران باستان تا معاصر، پرداخته و بررسی کرده است که چگونه فرهنگ و اعتقادات مردم بر ساختارهای معماری تأثیر گذاشته‌اند. این پژوهش در تلاش است تا نشان دهد که چگونه تغییرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بحران‌های اخیر سوریه نقش بسزایی در شکل‌گیری و دگرگونی معماری این سرزمین داشته‌اند و چگونه این تحولات نمایانگر یک مسیر استدلالی تاریخی در رابطه بین فرهنگ و معماری است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. نقش جغرافیا در فرهنگ سوریه

سوریه کشوری با موقعیت جغرافیایی بسیار استراتژیک در غرب آسیا است که در تقاطع قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد. این کشور از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از جنوب با اردن و فلسطین اشغالی و از غرب با لبنان و دریای مدیترانه هم‌مرز است. چنین موقعیت جغرافیایی‌ای باعث شده است که سوریه از زمان‌های بسیار دور به عنوان یک پل ارتباطی برای فرهنگ‌ها، تجارت‌ها و مسیرهای تمدنی مختلف شناخته شود. از جمله مهم‌ترین راه‌های تجاری و فرهنگی که از سوریه عبور می‌کرد، جاده ابریشم بود. این مسیر تاریخی که به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تجاری در دنیای باستان شناخته می‌شد، از چین آغاز شده و از طریق ایران و سوریه به دیگر

نقاط خاورمیانه و اروپا متصل می‌گردید. این مسیر نه تنها برای انتقال کالاهای تجاری از جمله ابریشم، طلا و ادویه‌ها بسیار حیاتی بود، بلکه ارتباطات فرهنگی و دینی فراوانی را نیز بین شرق و غرب برقرار می‌کرد. اهمیت این موقعیت برای سوریه به اندازه‌ای بود که بسیاری از قدرت‌ها در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تسلط خود را بر این سرزمین حفظ کنند، زیرا هرگونه سلطه بر سوریه به معنای کنترل یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری و استراتژیک جهان بوده است (مهدوی جو، ۱۳۹۹: ۱۰۳؛ Masters, 2013: 47).

در زمینه جغرافیای فرهنگی، سوریه کشوری با تنوع قومی و مذهبی بسیار است. در طول تاریخ، این سرزمین محل سکونت اقوام مختلفی چون عرب‌ها، کردها، ترکمن‌ها، دروزی‌ها، آشوری‌ها، ارمنی‌ها و همچنین اقلیت‌های مذهبی چون علوی‌ها، اسماعیلی‌ها و مسیحیان بوده است. این تنوع فرهنگی باعث شده است سوریه از نظر اجتماعی و فرهنگی یک ترکیب پیچیده و چندلایه باشد. موقعیت جغرافیایی سوریه در هلال خصیب که از دیرباز به عنوان خاستگاه تمدن‌های اولیه بشری شناخته می‌شود موجب شد که این کشور یکی از مهم‌ترین بسترهای همزیستی، تبادل و همچنین برخورد فرهنگی باشد. حضور اقوام سامی و غیرسامی در این منطقه و ادغام فرهنگ‌ها و آیین‌های متفاوت، هویتی منحصر به فرد به سوریه بخشیده است (Lewis, 2001: 98).

از سوی دیگر، جغرافیای سوریه همواره آن را در معرض درگیری‌های سیاسی و نظامی قرار داده است. در دوران باستان، سوریه میان امپراتوری‌های بزرگ نظیر آشور، بابل، ایران هخامنشی، روم و سپس بیزانس بارها دست به دست شد. این سرزمین نه تنها به لحاظ نظامی اهمیت داشت، بلکه به عنوان قلب شرق مدیترانه در مسیرهای تجاری جهانی نیز جایگاهی حیاتی ایفا می‌کرد. به همین دلیل، شهرهایی چون دمشق و حلب همواره مراکز بزرگ اقتصادی و فرهنگی منطقه بودند و نفوذ تمدن‌های مختلف را در خود جذب می‌کردند (Gelvin, 2016: 56). پس از ظهور اسلام، جغرافیای سوریه بار دیگر موجب شد که این کشور نقشی محوری در تحولات منطقه‌ای ایفا کند. فتح دمشق توسط خالد بن ولید در سال ۶۳۴ میلادی نه تنها نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود، بلکه سوریه را به مرکز خلافت اموی تبدیل کرد. از آن زمان دمشق به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام شناخته شد. موقعیت جغرافیایی سوریه در اتصال شبه جزیره عربستان به مدیترانه و از آنجا به اروپا، زمینه را برای گسترش اسلام و تبادلات فرهنگی میان شرق و غرب فراهم ساخت. در دوران عباسیان نیز این موقعیت باعث شد سوریه همچنان جایگاه فرهنگی مهمی داشته باشد، هرچند مرکزیت سیاسی به بغداد منتقل شد (حمیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

در طول تاریخ میانه، حضور سوریه در نقطه اتصال شرق و غرب موجب شد تا این سرزمین هدف جنگ‌های صلیبی و منازعات قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گیرد. شهرهایی مانند انطاکیه و اورشلیم، که در همسایگی سوریه بودند، به عنوان مراکز مناقشه اهمیت یافتند و سوریه همواره صحنه رویارویی نیروهای مسلمان و اروپایی بود. در نهایت با سلطه عثمانی، سوریه به عنوان یکی از ایالت‌های کلیدی این امپراتوری جایگاهی خاص یافت و هم از نظر تجاری و هم از نظر مذهبی به عنوان حلقه‌ای میان استانبول، قاهره و بغداد عمل می‌کرد (Masters, 2013: 114).

در دوران مدرن و معاصر نیز موقعیت جغرافیایی سوریه تأثیر فراوانی بر تحولات این کشور داشته است. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، سوریه تحت قیمومیت فرانسه قرار گرفت؛ موقعیتی که اهمیت استراتژیک این کشور را برای قدرت‌های استعماری نشان می‌داد. در قرن بیستم، سوریه به یکی از کانون‌های رقابت میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شد. از یک سو مجاورت با اسرائیل و مسئله فلسطین، و از سوی دیگر همجواری با ترکیه، عراق و لبنان، موجب شد این کشور به طور مداوم در مرکز بحران‌های خاورمیانه قرار داشته باشد (Hinnebusch, 2012: 23).

بحران داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ نشان داد که جغرافیا و تنوع فرهنگی این کشور چگونه می‌تواند به عاملی برای منازعه و شکنندگی سیاسی بدل شود. جنگ داخلی سوریه با مشارکت گروه‌های قومی و مذهبی متعدد — از جمله سنی‌ها، علوی‌ها و کردها — و مداخله قدرت‌های خارجی شدت گرفت. موقعیت ژئوپلیتیک این کشور در شرق مدیترانه و در نزدیکی منابع انرژی خاورمیانه، زمینه‌ساز حضور بازیگران بین‌المللی مانند روسیه، آمریکا و ایران شد. افزون بر آن، گروه‌های تروریستی مانند داعش و جبهه النصره از این وضعیت بهره‌برداری کرده و بخش‌هایی از خاک سوریه را تحت کنترل خود درآوردند. به این ترتیب، جغرافیای سوریه بار دیگر نشان داد که چگونه می‌تواند هم فرصتی برای ارتباط فرهنگی و اقتصادی و هم بستری برای بحران‌های عمیق سیاسی و نظامی باشد.

(Heydemann, 2018: 74).

در مجموع، جغرافیای سوریه نه تنها هویت فرهنگی این کشور را شکل داده، بلکه سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن را نیز به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. این موقعیت منحصربه‌فرد موجب شده است که سوریه همواره به‌عنوان «گره‌گاه تمدن‌ها» شناخته شود؛ جایی که هم تنوع فرهنگی و دینی شکوفا می‌شود و هم منازعات و بحران‌های پیچیده بروز می‌یابد. بنابراین، فهم فرهنگ سوریه بدون درک پیوندهای عمیق آن با جغرافیا و موقعیت استراتژیک امکان‌پذیر نیست.

این موقعیت جغرافیایی نه تنها در دوران باستان که در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله دوران امپراتوری‌های مختلف مانند امپراتوری روم، ساسانیان و عثمانی نیز تأثیرات فراوانی بر سرنوشت سوریه گذاشته است. این کشور که در بخش مرکزی منطقه موسوم به خاورمیانه قرار دارد، همیشه محل تلاقی و برخورد قدرت‌های بزرگ بوده است. به‌ویژه در دوران امپراتوری روم و ساسانی، سوریه به‌عنوان یک منطقه کلیدی برای تسلط بر شرق مدیترانه و همچنین مرزهای امپراتوری‌های بزرگ مطرح بوده است.

در دوران پس از اسلام، سوریه به‌عنوان یکی از اولین مناطقی که تحت اختیار مسلمانان درآمد، نقش بسیار مهمی در تاریخ اسلامی ایفا کرد. فتح دمشق به‌دست مسلمانان به رهبری خالد بن ولید در سال ۶۳۴ میلادی، نقطه عطفی در تاریخ سوریه و جهان اسلام بود. سوریه پس از آنکه به مرکز خلافت اسلامی تبدیل شد به‌عنوان یک مرکز فرهنگی و سیاسی مهم در دنیای اسلام شناخته شد. در دوران خلافت عباسی و سپس در دوره عثمانی، سوریه همچنان به‌عنوان یک استان مهم در قلمرو امپراتوری عثمانی باقی ماند و مرکزیت خود را در دنیای اسلام حفظ کرد. با این حال، در طول قرن‌های بعد، سوریه تحت فشارهای مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت که در نهایت منجر به بحران‌های داخلی و خارجی شد. در دوران معاصر، این تنش‌ها و اختلافات قومی و مذهبی همچنان در بستر جغرافیای فرهنگی سوریه باقی مانده است. جنگ داخلی سوریه که از ۲۰۱۱ آغاز شد، یکی از پیچیده‌ترین و خونین‌ترین بحران‌های معاصر این کشور است. این درگیری با مشارکت گروه‌های مذهبی، قومی و سیاسی مختلف (مانند سنی‌ها، علوی‌ها، کردها) و با حمایت بازیگران داخلی و خارجی تشدید شد. گروه‌های تروریستی مانند داعش و جبهه‌النصره نیز از این بحران سوءاستفاده کرده و بخش‌هایی از سوریه را تصرف کردند. موقعیت حساس سوریه و تنوع فرهنگی آن، همراه با رقابت قدرت‌های خارجی، نه تنها بحران داخلی را طولانی کرده، بلکه آن را به یک چالش فرامرزی تبدیل نموده است. این جنگ نشان‌دهنده تأثیر عمیق عوامل تاریخی، هویتی و ژئوپلیتیک بر ثبات منطقه است (حمیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۵).

۲-۵. نقش تاریخ در فرهنگ سوریه

سوریه که از دیرباز محل تلاقی تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف بوده است، از دوران باستان تاکنون به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم جغرافیایی و فرهنگی در خاورمیانه شناخته می‌شود. تاریخ سوریه پر از تحولات پیچیده و مهم است که هرکدام تأثیرات عمیقی بر فرهنگ، هویت اجتماعی و ساختار سیاسی این کشور گذاشته است. شکل‌گیری سوریه به‌عنوان یک کشور مستقل و هویت ملی آن را می‌توان در تقاطع تاریخ‌های مختلف جستجو کرد. در ابتدا، سوریه به‌عنوان بخشی از هلال خصیب، در دوران باستان به‌عنوان یکی از نخستین مراکز تمدنی جهان شناخته می‌شد. این سرزمین تحت سلطه امپراتوری‌های مختلف از جمله آشوریان، بابلی‌ها و مصریان قرار داشت. هرکدام از این امپراتوری‌ها تأثیرات مختلفی بر فرهنگ سوریه گذاشتند و آن را به یک محیط فرهنگی متنوع تبدیل کردند. بعد از آن، در دوران سلوکیان و سپس امپراتوری روم، سوریه به یکی از مراکز کلیدی در شرق مدیترانه تبدیل شد و تحولات فرهنگی، هنری و دینی بسیاری را تجربه کرد. این دوره‌ها به‌ویژه در زمینه‌های معماری، هنر و فلسفه بسیار تأثیرگذار بودند. اما تحول عمده‌ای که در تاریخ سوریه رخ داد، ورود اسلام به این سرزمین در قرن هفتم میلادی بود. (مرکبی، ۱۳۹۸: ۲۵). پس از فتح سوریه توسط مسلمانان، دمشق به‌عنوان پایتخت خلافت امویان انتخاب شد و سوریه مرکز مهم فرهنگی و دینی در جهان اسلام گردید. در این دوران، تأثیرات فرهنگی جدیدی وارد شد که هنوز در آثار معماری این کشور قابل مشاهده است. بسیاری از بناهایی که در این دوره ساخته شدند، از جمله مسجد جامع اموی در دمشق، ترکیبی از معماری اسلامی و ویژگی‌های فرهنگی دوران روم و بیزانس بودند. پس از سقوط خلافت اموی، سوریه تحت تسلط خلافت عباسی قرار گرفت و سپس در دوران‌های مختلف

تحت تأثیر سلسله‌های مختلفی مانند ایوبیان، ممالیک و عثمانیان قرار گرفت. در این دوره‌ها، سوریه شاهد تحولات زیادی در زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی بود. تحت سلطه عثمانی‌ها، سوریه نه تنها در چارچوب یک امپراتوری وسیع قرار گرفت، بلکه به عنوان یک مرکز فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کلیدی در جهان اسلام نیز شناخته شد. در دوران عثمانی، سوریه شاهد ساخت بناهای تاریخی بسیاری از جمله مساجد و مدارس بود که نشان‌دهنده شکوفایی فرهنگی و دینی در این سرزمین است (اشعری، ۱۳۹۴: ۵۰).

با شروع قرن بیستم و پس از پایان جنگ جهانی اول، سوریه تحت قیمومیت فرانسه قرار گرفت که باعث تحولات سیاسی و اجتماعی عمده‌ای در این کشور شد. استعمار فرانسه به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آثار عمیقی گذاشت و سوریه را وارد دوره‌ای جدید از مبارزات استقلال‌خواهانه و ملی‌گرایانه کرد. این دوره به‌ویژه با ظهور جنبش‌های آزادی‌خواهانه و درخواست‌های مردمی برای خودمختاری و استقلال از استعمارگران همراه بود. پس از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۱، این کشور وارد مرحله‌ای جدید از تاریخ خود شد که با تحولات سیاسی و بحران‌های مختلف همراه بود. پس از جنگ جهانی دوم، سوریه با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی روبه‌رو شد. در این دوره، هویت ملی سوریه تحت تأثیر تحولات سیاسی داخلی و منطقه‌ای قرار گرفت. همچنین، با افزایش تنش‌های مذهبی و قومی، سوریه شاهد درگیری‌ها و ناآرامی‌هایی بود که تأثیرات آن تا به امروز در ساختار فرهنگی و اجتماعی این کشور مشهود است. یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر در تاریخ سوریه، جنگ داخلی این کشور از سال ۲۰۱۱ به بعد بوده است که باعث ایجاد بحران‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی در سطح وسیع شده است. این جنگ نه تنها به تخریب بسیاری از بناهای تاریخی و فرهنگی سوریه منجر شد، بلکه بر هویت فرهنگی و اجتماعی مردم این سرزمین تأثیرات عمیقی گذاشت. با این حال، جنگ داخلی نیز فرصتی برای بازنگری در هویت فرهنگی و بازسازی برخی از جنبه‌های فرهنگی سوریه فراهم آورده است. در نهایت، تاریخ سوریه به عنوان یک تاریخ پیچیده و پر از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی این کشور ایفا کرده است. از دوران باستان تا دوران معاصر، تحولات مختلف فرهنگی، دینی و سیاسی باعث شده که سوریه همواره یکی از کانون‌های اصلی در خاورمیانه باشد که تأثیرات فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده است. این تاریخ غنی و پیچیده، فرهنگ سوریه را به عنوان یک مجموعه منحصر به فرد از تمدن‌های مختلف در طول تاریخ درآورده است (مرادزاده، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

۵-۳. نقش اعتقادات در فرهنگ سوریه

از دوران باستان تا به امروز، اعتقادات دینی و مذهبی در سوریه نقشی محوری در شکل‌دهی به هویت فرهنگی، اجتماعی و حتی معماری این سرزمین ایفا کرده‌اند. این پیوند میان دین و فرهنگ نه تنها در سطح نمادین بلکه در عرصه‌های مادی، از سازمان فضایی شهرها تا معماری بناها، به وضوح مشاهده می‌شود. سوریه به دلیل موقعیت استراتژیک خود در خاورمیانه، همواره محل تلاقی ادیان، تمدن‌ها و قدرت‌های سیاسی بوده است و به همین دلیل تاریخ مذهبی آن تنوع و پیچیدگی خاصی دارد.

در هزاره سوم پیش از میلاد، باورهای چندگانه و تقدیس طبیعت بر زندگی مردم سایه افکنده بود. معابد و زیارتگاه‌های کوچک در جوامع اولیه سوریه بازتابی از تلاش برای ارتباط با نیروهای طبیعت و خدایان بودند. بعدها، ورود آرامیان در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد دین‌ها و آیین‌های تازه‌ای را به همراه آورد که با سنت‌های بومی ترکیب شدند و ساختار مذهبی جدیدی ایجاد کردند. این هم‌افزایی میان آیین‌های محلی و وارداتی باعث شد سوریه از همان ابتدا به سرزمینی با تنوع دینی و فرهنگی گسترده تبدیل شود.

در دوران هلنیستی و سپس رومی، دین و معماری به شدت به هم گره خوردند. در این دوره، معابد عظیم در شهرهایی مانند پالمیرا ساخته شدند که ترکیبی از سبک‌های یونانی-رومی و عناصر بومی را به نمایش می‌گذاشتند (Dentzer-Feydy, 2010). چنین ترکیب‌هایی نه تنها نشان‌دهنده نفوذ سیاسی و فرهنگی حاکمان بودند بلکه ابزاری برای ایجاد هویت مشترک میان جوامع چندقومیتی سوریه محسوب می‌شدند. پس از آن، با گسترش مسیحیت در قرن چهارم میلادی، کلیساها و زیارتگاه‌های مسیحی در دمشق، انطاکیه و حلب ساخته شدند و دین تازه، سیمای مذهبی و فرهنگی کشور را تغییر داد.

تحول بنیادین اما با ورود اسلام در قرن هفتم میلادی شکل گرفت. سوریه به یکی از مراکز اصلی جهان اسلام

تبدیل شد و دمشق به عنوان پایتخت خلافت امویان، نقشی تاریخی در معماری مذهبی ایفا کرد. مسجد جامع دمشق نمونه بارزی از تلفیق سنت‌های مسیحی و اسلامی بود؛ زیرا بر بقایای یک کلیسای مسیحی ساخته شد و در عین حال ویژگی‌های خاص معماری اسلامی را تثبیت کرد (Flood, 2001). در این دوره، دین نه تنها معنای فردی و اجتماعی داشت بلکه اساس سازمان فضایی شهرها نیز بر مبنای نیازهای مذهبی و آیینی شکل گرفت. بازارها، کاروانسراها و مدارس دینی در نزدیکی مساجد قرار می‌گرفتند و این نشان‌دهنده مرکزیت دین در ساختار شهری بود.

در دوران عثمانی، دین و مذهب همچنان جایگاه محوری داشتند. مساجد، خانقاه‌ها و مدارس اسلامی ساخته شدند و در کنار آن‌ها، کلیساها و کنیسه‌ها نیز به حیات خود ادامه دادند. حضور اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان، یهودیان، دروزی‌ها و علوی‌ها تنوع مذهبی سوریه را بازتاب می‌داد (Meri, 2017). از این منظر، معماری مذهبی سوریه نه فقط عرصه بازنمایی ایمان بلکه بستری برای همزیستی، تنش و مذاکره میان گروه‌های مختلف بود (Rabo, 2012).

این پیوند میان اعتقادات و فرهنگ مذهبی تنها در گذشته محدود نمی‌شود، بلکه در بحران‌های معاصر نیز اهمیت خود را نشان داده است. از سال ۲۰۱۱، جنگ داخلی سوریه موجب تخریب گسترده مساجد، کلیساها و زیارتگاه‌ها شد. این تخریب‌ها فراتر از ویرانی کالبدی بودند و به طور مستقیم حافظه جمعی و هویت فرهنگی مردم را نشانه گرفتند (al-Azm, 2015). در واقع، نابودی مکان‌های مذهبی به معنای شکستن پیوند میان جامعه و تاریخ خود بود. بازسازی این اماکن نیز به یکی از مباحث اصلی سیاست‌های پساجنگ تبدیل شده است. پرسش مهم این است که آیا بازسازی باید صرفاً بر کالبد متمرکز شود یا تلاش کند تا روح و هویت فرهنگی-مذهبی این مکان‌ها را نیز احیا کند (Larkin, 2019).

اعتقادات مذهبی در سوریه همواره دو کارکرد داشته‌اند: نخست، بازتولید هویت جمعی و مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی؛ و دوم، هدایت شکل‌گیری معماری و سازمان فضایی شهرها. از این رو، مطالعه فرهنگ مذهبی سوریه بدون درک بازتاب آن در معماری و فضاهای عمومی ناقص خواهد بود. امروز نیز، بحث بازسازی پس از بحران با پرسش‌های هویتی و مذهبی گره خورده است؛ زیرا جوامع محلی خواهان آن هستند که بازسازی، حافظ هویت دینی و فرهنگی آنان باشد و نه صرفاً تکرار الگوهای مدرن بیگانه.

به طور کلی، اعتقادات مذهبی در سوریه از دوران باستان تا به امروز نه تنها در لایه‌های اجتماعی و فرهنگی بلکه در سیمای کالبدی و معماری کشور نیز ریشه دوانده‌اند. این تنوع دینی و فرهنگی بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی سوریه است و بررسی آن می‌تواند درک عمیق‌تری از رابطه میان دین، فرهنگ و معماری ارائه دهد.

۴-۵. رابطه بین فرهنگ سوریه و معماری خانه‌های سوریه

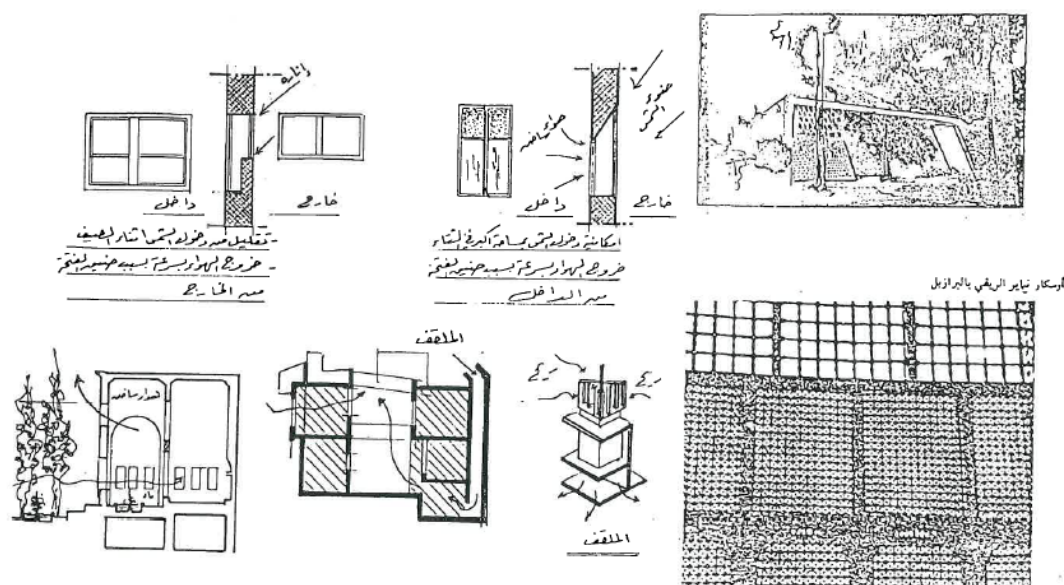
دامی شناخته شد و معماری اسلامی در این شهر رونق گرفت. این تأثیرات به‌ویژه در خانه‌ها و بناهای عمومی مانند مساجد، کاروانسراها و بازارها مشهود است. خانه‌های سوریه در این دوران به طور معمول از حیاط‌های مرکزی، دیوارهای بلند و مصالح طبیعی مانند سنگ و چوب ساخته می‌شدند (کاساپ^۱، ۲۰۲۵). که این طراحی‌ها نه تنها به منظور مقابله با گرمای شدید و شرایط جوی، بلکه برای حفظ حریم خصوصی و ایجاد فضاهای

اجتماعی برای خانواده‌ها و مهمانان در نظر گرفته شده بودند. شهرهای سوریه به‌ویژه دمشق و حلب، به عنوان مراکز تجاری و فرهنگی در طول تاریخ، نقش اساسی در شکل‌گیری سبک‌های معماری خانه‌های سوری ایفا کرده‌اند (نایمه^۲، ۲۰۲۵). در این شهرها، خانه‌ها به طور معمول در دو طبقه ساخته می‌شدند و در داخل حیاط‌های مرکزی خود، فضای سبز و حوض‌های آبی وجود داشت که نه تنها به عنوان مرکز خانواده بلکه برای میزبانی از مهمانان و تجارت‌های کوچکی که در داخل خانه‌ها انجام می‌شد، استفاده می‌شدند. این طراحی‌ها نشان‌دهنده اهمیت تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در زندگی روزمره مردم سوریه است (ابوخطار^۳، ۲۰۲۳). برخی از عناصر معماری قدیمی خانه‌ها در سوریه را می‌توان در شکل ۱ مشاهده کرد.

1 Kaccap

2 Noaime

3 Aboukhater



شکل ۱-۱. - پلان خانه‌های قدیمی در دمشق (کبریت، ۲۰۰۰)

در کنار خانه‌ها، مسجدها، کاروانسراها و بازارها به‌عنوان مراکز عمومی و تجاری نیز در این شهرها ساخته می‌شدند و معماری آن‌ها بازتابی از فرهنگ و تاریخ سوریه بوده است. اما با گذشت زمان و وقوع تحولات سیاسی و اجتماعی، به‌ویژه در قرن بیستم، تغییرات عمده‌ای در معماری سوریه به‌وجود آمد. با شروع دوران مدرن و ورود سبک‌های معماری غربی، بسیاری از معماران سوری به‌جای حفظ سبک‌های سنتی و بومی، به تقلید از معماری مدرن غربی روی آوردند. این تغییرات باعث شد که معماری سوریه به‌ویژه در شهرهای بزرگ مانند دمشق و حلب به‌طور عمده به بلوک‌های ساخته‌شده تبدیل شود که نه تنها از نظر ظاهری فاقد ارتباط با تاریخ و هویت سوریه بودند، بلکه به‌طور عمده نیازهای اولیه شهروندان را برآورده می‌کردند. یکی از مشکلات عمده در معماری سوریه در دوران اخیر، رونوشت برداری از سبک‌های خارجی و عدم توجه به هویت بومی بوده است. بسیاری از بناها و ساختمان‌ها به‌ویژه در مناطقی مانند حلب، تحت تأثیر معماری مدرن غربی ساخته شدند که نه تنها با فرهنگ سوریه تطابق نداشتند، بلکه به نابودی هویت فرهنگی و زیبایی‌شناختی شهرهای تاریخی منجر شدند. در برخی از مناطق فقیرنشین یا «العشوائیات»، ساختمان‌هایی ساخته شده‌اند که از نظر ساختاری و زیبایی‌شناسی کاملاً ضعیف بوده و باعث ایجاد نارضایتی‌های بصری و اجتماعی در مناطق مختلف شده است. این نوع ساخت‌وسازهای ناپایدار نه تنها فضاهای غیرقابل سکونت ایجاد کرده‌اند بلکه موجب نابودی هویت شهری و فرهنگی سوریه گردیده‌اند (سبری^۱، ۲۰۲۳).

جنگ داخلی سوریه، که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، تأثیرات عمیقی بر معماری و ساخت‌وساز در این کشور گذاشت. بسیاری از بناهای تاریخی، خانه‌ها و ساختمان‌های عمومی که نمایانگر هویت فرهنگی سوریه بودند، به‌طور کامل تخریب شدند. این تخریب‌ها علاوه بر آسیب‌های انسانی و اجتماعی که ایجاد کرد، فرآیند بازسازی و نوسازی شهری را به چالش کشید. برخی از مناطق مانند حلب، که پیش از جنگ از نظر معماری و ساخت‌وساز اهمیت زیادی داشتند، اکنون با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند و بازسازی آن‌ها نیازمند توجه به هویت فرهنگی و معماری سنتی این کشور است (خاکساری، ۱۳۹۸: ۱۵۶). به‌طور کلی، معماری امروز سوریه در حال حاضر در فاصله‌ای میان تاریخ و توسعه شهری قرار دارد. اگرچه در برخی از مناطق شهری، پروژه‌های مدرن و نوسازی شده به چشم می‌خورد، اما معماری‌های وارداتی و تقلیدی که در این پروژه‌ها استفاده شده‌اند نتوانسته‌اند هویت فرهنگی و معماری سوریه را به‌طور کامل حفظ کنند. سبک‌های معماری مدرن، به‌ویژه در پروژه‌های عمومی مانند کتابخانه‌ها و هتل‌ها، بیشتر از آنکه به فرهنگ و تاریخ بومی سوریه وفادار باشند، تحت تأثیر معماری غربی قرار

گرفته‌اند. در نهایت، رابطه بین فرهنگ سوریه و معماری خانه‌های سوری نشان‌دهنده تعامل پیچیده‌ای است که بین تاریخ پرفراز و نشیب این کشور، مسیرهای تجاری و فرهنگ‌های مختلف وجود دارد. معماری سوریه نه تنها بازتابی از تاریخ این سرزمین بلکه نمایانگر نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم آن است. با وجود چالش‌هایی که معماری سوریه در دوران اخیر با آن روبه‌رو بوده است، هنوز هم می‌توان ردپای فرهنگ و هویت غنی سوریه را در ساختمان‌های قدیمی و بناهای تاریخی آن یافت (البه‌نسی، ۲۰۰۷: ۱۴۵).

۵-۵. معماری تاریخی شهرهای سوریه

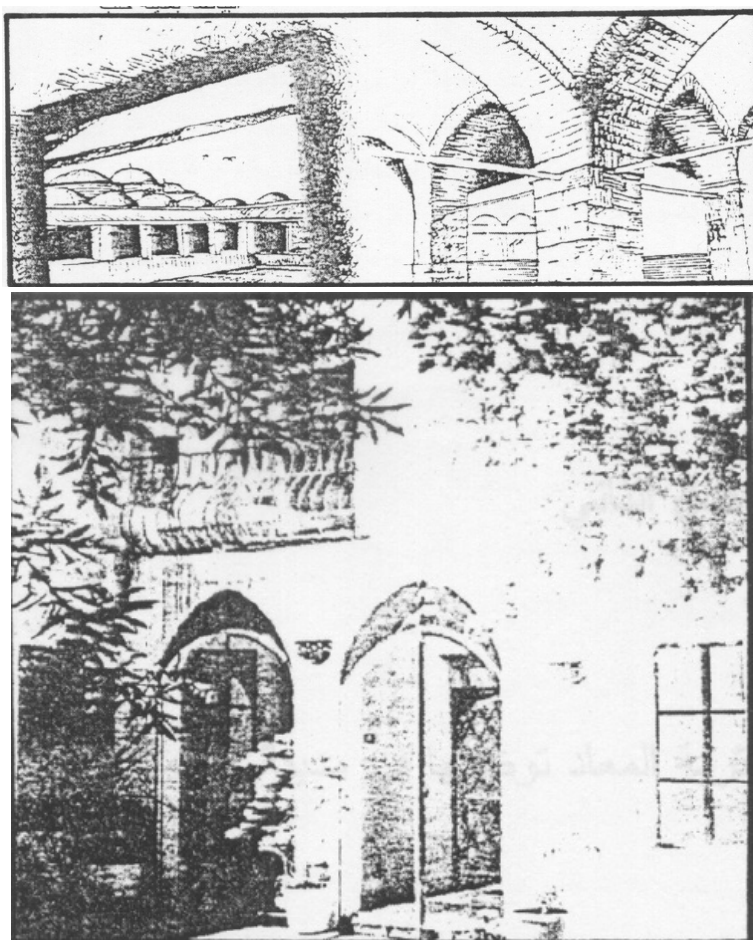
۵-۵-۱. شهر باستانی حلب

حلب یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شهرهای سوریه است که تاریخ آن به هزاره اول قبل از میلاد بازمی‌گردد. در این دوران، حلب به‌عنوان مرکز پادشاهی آرامی شناخته می‌شد و محل عبادت‌های مذهبی باستانی بود (رادمهر، ۱۴۰۲: ۷۰). این شهر در دوران‌های مختلف تاریخ به‌ویژه در دوران هلنی، به‌عنوان پایتخت دولت فینیقیه و سوریه داخلی شناخته شد و معبد باستانی حداد به معبد زئوس الحلبی تبدیل گردید. در دوره روم، حلب شکلی واضح‌تر به خود گرفت و در دوران بیزانس، بسیاری از قلعه‌ها و کلیساهای بزرگ در این شهر ساخته شدند (باراکات، ۲۰۲۴).

با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی، معماری اسلامی در حلب به دست مسلمانان عرب اموی شکل گرفت و نوآوری‌هایی در این معماری وارد شد که برای نخستین بار در تاریخ اسلام دیده می‌شد. در این دوران، بناهایی با ویژگی‌هایی چون گنبد، سقف‌های منحنی، درب‌های تزئینی، تاج ستون‌ها و کتیبه‌های مزین به هنر اسلامی ساخته شدند که این تحولات بازتابی از اعتقادات و فرهنگ اسلامی بودند. مسجد جامع اموی که در دوران امویان ساخته شد، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مساجد جهان اسلام بود که به‌عنوان نمادی از اقتدار حکومت اسلامی در این دوران شناخته می‌شود.

پس از آن، معماری حلب تحت تأثیر حکومت‌های مختلف قرار گرفت. در دوران عباسی، معماری حلب تحت تأثیر معماری فارسی و ترکی قرار گرفت و ویژگی‌های جدیدی همچون استفاده از طاق‌دیس‌ها و گنبد‌های نیمه‌استوانه‌ای در بناها رایج شد. در دوره ایوبی، معماری حلب به‌ویژه در ساخت مساجد، مدارس و خانقاه‌های بزرگ گسترش یافت و ویژگی‌هایی چون گنبد‌های منحنی و برج‌های مستحکم در ساختمان‌ها به چشم می‌خورد. در دوران مملوک، تراکم در معماری افزایش پیدا کرد و فضای داخلی ساختمان‌ها با گنبد‌ها و سقف‌های پوشیده شده از تزئینات ساده‌تری شکل گرفت. در دوره عثمانی، معماری حلب دستخوش تغییرات جدیدی شد و سبک‌های جدیدی با گنبد‌های مرکزی در بسیاری از ساختمان‌ها مشاهده شد. این سبک‌ها به‌ویژه در مسجد العادلیه و مدرسه خسرویه در حلب به وضوح دیده می‌شوند و انعکاسی از معماری عثمانی هستند (البه‌نسی، ۲۰۰۷: ۱۵۰).

شهر حلب با این تاریخ طولانی و تنوع فرهنگی، در طول تاریخ به یکی از مراکز برجسته معماری در جهان اسلام تبدیل شد. این شهر با آثار تاریخی و معماری بی‌نظیر خود، نمایانگر تأثیرات گوناگونی از فرهنگ‌های مختلف است که در طول قرن‌ها بر آن اثر گذاشته‌اند. در همین راستا، حلب دارای مجموعه‌های تاریخی ارزشمندی مانند قلعه تاریخی حلب، مسجد جامع اموی، مدارس، خان‌ها و حمام‌های عمومی قدیمی است که همگی بخشی از بافت منحصر به فرد این شهر را تشکیل می‌دهند. برخی از عناصر معماری شهر حلب را می‌توان در شکل ۲ مشاهده کرد.



شکل ۲- برخی از عناصر معماری شهر حلب (التینی، ۲۰۱۱)

با این حال، بحران سوریه تأثیرات شدیدی بر میراث فرهنگی حلب و ساختار معماری آن گذاشته است. در جریان جنگ داخلی سوریه، بسیاری از بناهای تاریخی حلب، از جمله حدود ۳۵ مسجد و حدود ۶۰۰۰ خانه تاریخی متعلق به قرن‌های ۱۴ تا ۱۸ میلادی، آسیب دیده یا تخریب شده‌اند. بازار قدیمی حلب، قلعه تاریخی حلب، مسجد جامع اموی حلب و دیگر آثار تاریخی که به عنوان نمادهای فرهنگی و مذهبی این شهر شناخته می‌شدند، در این بحران دچار آسیب‌های جدی شده‌اند. موزه ملی حلب، که یکی از مهم‌ترین موزه‌های باستان‌شناسی جهان است و تاریخ و تمدن سوریه را به نمایش می‌گذارد، نیز در اثر درگیری‌های ناشی بحران سوریه آسیب دیده است. در تاریخ ۱۲ مه ۲۰۱۵، اداره کل آثار باستانی و موزه‌های سوریه مجموعه‌ای از عکس‌هایی را منتشر کرد که نشان‌دهنده آسیب‌های شدید به مناطق تاریخی شهر حلب بود، از جمله ساختمان فرمانداری و هتل کارلتون. عکس‌های منتشر شده توسط انجمن حمایت از آثار باستان‌شناسی سوریه همچنین نشان‌دهنده آسیب‌های وارد شده به موزه معره النعمان و حمام التکیا المرادی در معره النعمان بود (الصابونی، ۲۰۲۳: ۲۳۴). در تاریخ ۲۰ اوت ۲۰۱۶، دو ساختمان تاریخی از قرن ۱۸ میلادی به نام‌های بیت غزاله و بیت آشی قباش نیز آسیب‌های جدی دیدند. این تخریب‌ها نشان‌دهنده آسیب‌های گسترده‌ای است که بحران سوریه به میراث فرهنگی این کشور وارد کرده است (نجف‌قلی، ۲۰۲۲) (شکل ۳).



شکل ۳- نمایی از ویرانی‌های گسترده در معرّه النعمان

۵-۵-۲. شهر دمشق

دمشق، با تاریخ پیوسته و الگوهای شهری چندلایه، نمونه‌ای از شهر مرکب تاریخی است که ساختار معماری آن هم‌زمان حامل میراث رومی-بیزانسی و معماری اسلامی-شامی است. بافت کهن دمشق، نمود تقاطع محوری مذهبی، حکومتی و بازرگانی است: محورها و میدان‌ها^۱ رومی/روم-اسلامی، گذرهای تجاری و محلات دینی-آیینی که همه در نسبت متقابل با یکدیگر قرار دارند (الصابونی، ۲۰۲۳).

معماری شهری دمشق را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد: نخست، کثرت گونه‌های بناها- از معابد رومی و کارگاه‌ها تا مساجد جامع و خان‌ها- که هر یک نشان‌دهنده لایه کارکردی خاصی در شهر بوده‌اند؛ دوم، استمرار فنون سازه‌ای و مصالح محلی (سنگ، آجر و تکنیک‌های قوسی) که پیوند تاریخی با مهارت‌های محلی را نشان می‌دهد؛ و سوم، نقش فضاهای عمومی آیینی و بازارها در تثبیت هویت شهری (Bandarin & Van, 2019; Oers, 2012; UNESCO, 2019).

آسیب‌های وارد شده به برخی بناها و محورهای تاریخی دمشق نه تنها به صورت فیزیکی بوده، بلکه به واسطه اختلال در کارکردهای کالبدی (مانند قطع شبکه دسترسی به بازار یا تعطیلی حمام‌ها و مدارس) ساختار کارکردی شهر را نیز تغییر داده است. نمونه‌هایی همچون آسیب به درب‌ها و سقف‌های خانه دولت در النیک، یا نفوذ انفجارات به محدوده مسجد اموی، نشان‌دهنده این است که آسیب، هم مقیاس نمادین (نمادهای مذهبی-ملی) و هم مقیاس

روزمره (فضاهای زندگی) را هدف گرفته است (الحمصی، ۱۹۸۲؛ الصابونی، ۲۰۲۳). تحلیل معماری پساجنگ در دمشق نیازمند توجه به سه مسئله میدانی است: (۱) بازخوانی الگوی تولید فضا^۱ در فرایند بازسازی؛ آیا نهادهای مرکزی، سرمایه‌گذاران خصوصی یا جوامع محلی روند را همان می‌سازند؟ (۲) تضاد میان حفظ میراث و نیازهای معاصر زیستی، به‌ویژه فشار برای تأمین مسکن سریع و مقرون به‌صرفه که اغلب با مصالح و تکنیک‌های نوین، همخوانی تاریخی را مختل می‌کند؛ (۳) نقش سیاست‌های احیاء میراث در بازتولید روایت‌های هویتی^۲ که می‌تواند فرصت بازسازی مشارکتی را محدود سازد (Al-Kassem, 2024; Noaime, 2025). در عمل، دو مسیر اصلی برای بازسازی دمشق قابل شناسایی است: مسیر اول، بازسازی محافظه‌کارانه که تلاش می‌کند اصالت کالبدی را بازگرداند و بر مرمت فیزیکی متمرکز است؛ مسیر دوم، بازسازی نوین که عناصر تاریخی را به‌عنوان «پیش‌زمینه منظر» نگاه می‌دارد و بیشتر معطوف به عملکردهای اقتصادی و استانداردسازی فضایی است. هر یک پیامدهای متفاوتی برای هویت و تعلق مکان به همراه دارد؛ بازسازی محافظه‌کارانه امکان نگهداری لایه‌های تاریخی و حافظه جمعی را بیشتر می‌کند، در حالی که بازسازی نوین ممکن است به گسست فرهنگی و جابجایی اجتماعی منجر شود مگر آنکه با برنامه‌های جبران و مشارکت محلی همراه باشد (Bandarin & Van Oers, 2012; UNESCO, 2019).

۶. پیشنهادات پژوهش

- طرح‌های بازسازی مبتنی بر هویت فرهنگی توسعه یابند.
- پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در معماری و فرهنگ مورد تشویق قرار گیرند.
- معماری بومی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در کانون توجه و تعلیم قرار گیرد.
- زمینه‌های عینی و انضمامی برای مشارکت مردم در فرایند بازسازی تولید و تقویت شود.
- بازسازی باید بر مبنای ملاحظات منظر تاریخ شهری و با درگیرسازی فعال جوامع محلی طراحی شود تا هم اصالت فیزیکی حفظ شود و هم نیازهای معاصر پاسخ داده شوند.
- مستندسازی پیش از هر مداخله (اسکن‌های سه‌بعدی، بایگانی تصاویر و نقشه‌ها) ضروری است تا امکان بازسازی مبتنی بر داده محفوظ بماند.
- توجه به «ظرفیت‌های بومی فنی» (نچاران، سنگ‌تراشان، استادکاران اندود) برای بازسازی اصیل و ایجاد اشتغال محلی باید در اولویت قرار گیرد.
- سیاست‌گذاری مرمت نباید صرفاً نمادین و سفارشی‌سازی‌شده برای نمایش بین‌المللی باشد؛ ضرورت دارد برنامه‌های حمایتی برای ساکنان سابق محلات تاریخی و مکانی برای بازگشت امن و مقرون به‌صرفه طراحی شود.

۷. نتیجه‌گیری

در طی تاریخ، سوریه به عنوان محل تلاقی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف شناخته شده است. این کشور که در منطقه‌ای استراتژیک در خاورمیانه قرار دارد، تحت تأثیر تاریخ و فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته و این تأثیرات در معماری آن به وضوح قابل مشاهده است. جنگ داخلی سوریه و بحران‌های ناشی از آن تأثیرات شدیدی بر معماری و ساختارهای تاریخی این کشور گذاشته است. این پژوهش به بررسی رابطه میان فرهنگ و معماری در سوریه، به‌ویژه در رابطه با تأثیرات جنگ و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط میان فرهنگ و معماری در سوریه، به‌ویژه معماری خانه‌های سوریه در طول تاریخ است. این پژوهش تلاش دارد تا نشان دهد چگونه فرهنگ، تاریخ و اعتقادات مذهبی و سیاسی بر شکل‌گیری معماری سوریه تأثیر گذاشته‌اند و همچنین بررسی می‌کند که جنگ داخلی و بحران‌های اخیر چگونه معماری این کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که معماری سوریه به‌طور عمده تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلفی همچون آشوریان،

1 Who produces space

2 Selective heritage-making

رومی‌ها، مسلمانان و عثمانیان قرار گرفته است. این تأثیرات فرهنگی باعث شکل‌گیری ویژگی‌های منحصر به فرد در معماری خانه‌ها و بناهای عمومی سوریه شده است. در دوران اسلامی، به‌ویژه در دوره خلافت امویان، دمشق و حلب به‌عنوان مراکز مهم فرهنگی و تجاری به‌طور ویژه‌ای تحت تأثیر معماری اسلامی قرار گرفتند. خانه‌های سوریه به‌طور معمول دارای حیاط‌های مرکزی و طراحی‌های خاصی بودند که علاوه بر جنبه‌های اقلیمی، به فرهنگ و هویت اجتماعی مردم این سرزمین نیز پاسخ می‌دادند.

با این حال، در دوران مدرن و پس از جنگ داخلی، بسیاری از بناهای تاریخی سوریه تخریب شدند و معماری مدرن غربی به‌جای معماری سنتی و بومی جایگزین شد. این تغییرات منجر به از دست رفتن هویت فرهنگی و معماری سوریه در بسیاری از مناطق شده است. معماری سوریه نمایانگر تاریخ و فرهنگ غنی این سرزمین است. در دوران‌های مختلف تاریخی، معماری به‌عنوان بازتابی از فرهنگ و هویت اجتماعی مردم سوریه عمل کرده است. تغییرات جنگ و بحران‌های اخیر نه تنها به آسیب‌های فیزیکی به بناهای تاریخی منجر شده بلکه هویت فرهنگی این کشور را تهدید کرده است. به‌طور خاص، جنگ داخلی سوریه و تخریب‌های ناشی از آن در عرصه معماری باعث ایجاد چالش‌های جدی در بازسازی و نوسازی شده است. با این وجود، بازسازی سوریه باید با توجه به حفظ هویت فرهنگی و معماری بومی و سنتی صورت گیرد تا فرهنگ غنی این کشور همچنان در ساختارهای شهری و معماری حفظ شود.

علاوه بر این، باید توجه داشت که معماری سوریه نه تنها بازتاب فرهنگ و تمدن‌های گذشته است بلکه به‌عنوان ابزاری برای بازتولید قدرت و مشروعیت سیاسی نیز عمل کرده است. در دوران امویان، معماری به‌عنوان نمادی از اقتدار خلافت اسلامی به کار گرفته شد؛ در حالی که در دوره عثمانی، معماری شهری با هدف تثبیت سلطه سیاسی و اجتماعی طراحی می‌شد. امروز نیز در فرآیند بازسازی، این پرسش مطرح است که معماری تا چه حد می‌تواند به ابزاری برای بازسازی مشروعیت سیاسی دولت و یا تقویت سرمایه اجتماعی مردم تبدیل شود. از این منظر، معماری معاصر سوریه در مرحله‌ای حساس قرار دارد که می‌تواند یا به بازتولید گسست‌ها و نابرابری‌های موجود دامن بزند یا بستری برای همبستگی و بازسازی هویت جمعی فراهم آورد.

از سوی دیگر، تجربه‌های جهانی در زمینه بازسازی پس از جنگ از جمله در بوسنی، افغانستان و عراق نشان می‌دهد اگر فرآیند بازسازی صرفاً با نگاه فنی و کالبدی دنبال شود، نه تنها به تقویت هویت فرهنگی منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی تازه‌ای گردد. در نتیجه، بازسازی سوریه باید فراتر از احیای ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها باشد و به‌صورت یک پروژه چندلایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی درک شود. ادغام ارزش‌های معماری بومی با نیازهای معاصر، و مشارکت واقعی جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری، می‌تواند نقطه آغازین برای خلق معماری‌ای باشد که هم با گذشته پیوند دارد و هم به آینده پاسخ می‌دهد.

فهرست منابع

اشعری، امیرحسین، و قرایی، سحر. (۱۳۹۴). نقش اقلیم و فرهنگ بر حیاط مرکزی در خانه‌های سوریه حلب-دمشق. سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، ۴۵-۶۲.

امیدواری، سمیه، و امیدواری، مریم. (۱۳۹۸). گذری بر میراث معماری دمشق. جهاد دانشگاهی، واحد شهید بهشتی، ۷۸-۹۵.

البهنسی، عقیف. (۲۰۰۷). فنون العمارة الإسلامية وخصائصها فی مناهج التدريس. منشورات المنظمة الإسلامية للتربية والعلوم والثقافة، ۱۴۵-۱۶۸.

التنبی، نورالدین، (۲۰۱۱). المباني السكنية الاثرية و اعاده توظيفها فی مدینة حلب.

الحمصی، أحمد فائز. (۱۹۸۲). روائع من العمارة العربية الإسلامية فی سورية. دمشق: وزارة الأوقاف، ۸۰-۱۰۲.

الصابونی، مروة. (۲۰۲۳). معركة من أجل الوطن: مذكرات مهندس سوری. دار النشر العربية، ۲۳۴-۲۵۷.

خاکساری، پیمان، و جهانی موید، نیلوفر. (۱۳۹۸). بحران هویت در معماری معاصر سوریه. ششمین کنفرانس ملی فناوری‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، ۱۵۶-۱۷۳.

حمیدی، و قاسمی. (۱۴۰۰). واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: سوریه و رژیم صهیونیستی). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰ (۱)، ۱۲۵-۱۴۷.

- دانشجو، خسرو، و السليمان، بتول. (۱۴۰۰). سازگار کردن طراحی معماری مسکونی شهر حمص در سوریه با اقلیم بر اساس مقایسه خانه‌های سنتی و معاصر شهر. مسکن و محیط روستا، ۱۷۳، ۶۱-۷۴.
- رادمهر، محسن، سعادت، حسن، و طیبی، سید علیرضا. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی نقش عوامل جغرافیایی در عملیات‌های آزادسازی خرمشهر و حلب سوریه. نشریه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۲، ۷-۰.
- رستم‌پور، کاوه، و حکمت، حسن. (۱۳۹۹). نقش فرهنگ باستانی در معماری آرامگاهی کشور سوریه. هشتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری پایدار ایران، ۸۹-۱۰۶.
- علوی، علی. (۱۴۰۰). ادیان و فرهنگ در سوریه معاصر. تهران: انتشارات اندیشه نو.
- علوی، علی. (۱۴۰۰). تحولات مذهبی در خاورمیانه. قم: پژوهشگاه علوم انسانی.
- علوی، سیده کلثوم. (۱۴۰۰). اصول دین و مذهب از منظر شیعیان اثناعشریه و علویان سوریه. عاصم، ۱۱۲-۱۳۵.
- کارشناس، علی، قاسم‌حمزه، حسین، رضایی، محمدحسن، و عرب‌پور، علی. (۱۳۹۴). تبیین اعتقادات و احکام فقهی علویان سوریه. زمزم هدایت، ۶۷-۸۴.
- کبریت، زکریامحمد، البیت‌الدمشقی، موسسه الصالحانی، دمشق.
- مرادزاده، ناهیده، و شاکری‌خوئی، احسان. (۱۳۹۵). نقش فرهنگ سیاسی بر شکل‌گیری و تکوین جریان‌های تکفیری و سلفی در خاورمیانه (مطالعه موردی عراق و سوریه). نشریه مطالعات جامعه‌شناسی، ۳، ۱۰۷-۱۲۱.
- مرکی، سیدحسین. (۱۳۹۸). چرا سوریه؟: سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سیدحسن نصرالله درباره سوریه. کتاب جمکران، ۲۳-۴۷.
- مهدوی‌جو، رضا. (۱۳۹۹). جاده ابریشم و جایگاه سوریه. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مهدوی‌جو، بهنیافر، اسدی‌بگی، و اردشیر. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر جغرافیای فرهنگی بر امنیت سوریه. مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۸۹(۱۹)، ۱۰۳-۱۲۷.
- Abdulmawla, L. (2023). The War Memory as Part of the Syrian Cultural Heritage Identity. In *CHAIN 2022: Crisis and Cultural Heritage / Crisi e Patrimonio Culturale (Proceedings)*. Politecnico di Milano. <https://hdl.handle.net/11311/1270017>
- Aboukhatir, R., Mouhanna, Z., & Atfeh, N. (2023, August). Urban cultural heritage vulnerability as a risk driver for sustainability and resilience: Case study of the city centre of Damascus, Syria. In *AIP Conference Proceedings* (Vol. 2793, No. 1, p. 060012). AIP Publishing LLC.
- Al-Azm, A. (2015). The destruction of Syrian heritage: Historical, cultural and political dimensions. *International Journal of Middle East Studies*, 47(1), 115-125.
- Al-Harithy, H. (2018). Urban recovery: Intersecting displacement with post-war reconstruction. *International Journal of Urban and Regional Research*, 42(6), 1102-1118.
- Al-Homsi, K. (1982). *Damascus: A history of its monuments and architecture*. Beirut: Dar al-Sharq.
- Al-Kassem, A. (2024). Assessment of the impact of the Syrian conflict on cultural heritage sites. *Levant*, 56(2), 215-236. <https://doi.org/10.1080/0758914.2024.2420409>
- Alsabouni, M. (2023). *The battle for home: Cultural heritage and the war in Syria*. London: Thames & Hudson.
- Antonio, M. (2019). Architecture as cultural text: Symbolism and identity in the built environment. *Journal of Cultural Studies*, 24(3), 211-229.
- Barakat, M. (2024). The cultural landscape of the ancient villages of northern Syria in the memories of displaced locals.
- Barakat, S. (2024). Syria's urban heritage before and after the conflict. *Middle Eastern Archaeology Review*, 22(1), 56-78. <https://doi.org/10.xxxx/mear.2024.56>
- Dallal, A., Khalil, M., & Haddad, R. (2021). Memory, identity and built heritage in Middle Eastern cities. *Cities*, 110, 103-119.

- Dentzer-Feydy, J. (2010). Palmyra: Temple architecture and religious identities. In K. von Folsach & H. Thrane (Eds.), *From Temple to Mosque: Religious Architecture in the Middle East*. Aarhus University Press.
- Dieb, R. (2024). Looking for the future in the rubble of Palmyra: Destruction, reconstruction and identity. *Built Heritage*, 8(1), 1–15. <https://doi.org/10.1186/s43238-024-00089-5>
- Dieb, R., Alsalloum, A., & Webb, N. (2024). Interactive 360° media for the dissemination of endangered world heritage sites: The ancient city of Palmyra in Syria. *Built Heritage*, 8.
- Dimelli, D. (2023). The reconstruction of historic cities—Proposing the historic urban landscape principles as a tool for the case of Aleppo. *Sustainability*, 15(6), 5472. <https://doi.org/10.3390/su15065472>
- Flood, F. B. (2001). *The Great Mosque of Damascus: Studies on the Makings of an Umayyad Visual Culture*. Brill.
- Gelvin, J. L. (2016). *The Modern Middle East: A History*. Oxford University Press.
- Graham, S. (2016). *Vertical: The city from satellites to bunkers*. London: Verso.
- Heydemann, S. (2018). *Authoritarianism in Syria: Institutions and Social Conflict, 1946–1970*. Cornell University Press.
- Hinnebusch, R. (2012). *Syria: Revolution from Above*. Routledge.
- Hourani, M. (2025). Rethinking reconstruction: Politics, participation, and heritage in Syria. *Journal of Urban Affairs*, 47(3), 389–407. <https://doi.org/10.xxxx/jua.2025.389>
- Hourani, N. B. (2025). This is home: Redirecting reconstruction in Syria. *Human Organization*, 84(1), 69–81. <https://doi.org/10.1080/00187259.2025.2464212>
- Jones, P. (2017). *The global city: Architecture, identity and networks*. Routledge.
- Larkin, C. (2019). Memory and reconstruction: Cultural heritage in post-conflict Syria. *Journal of Architecture and Culture*, 12(3), 245–263.
- Lewis, B. (2001). *The Multiple Identities of the Middle East*. Schocken Books.
- Masters, B. (2013). *The Arabs of the Ottoman Empire, 1516–1918: A Social and Cultural History*. Cambridge University Press.
- Meri, J. W. (2017). *Medieval Damascus: Plurality and Religious Architecture under Islam*. Routledge.
- Najafgholi, A. R. (2022). Cultural Infrastructure Assessment for Post-Conflict Cultural Resilience at the City of Palmyra in Syria (Master's thesis, University of Georgia).
- Nassar, I., & AlSayyad, N. (2020). Localizing architecture: Tradition, modernity and identity in the Arab world. *Built Environment*, 46(2), 255–272.
- Noaime, E., & Alnaim, M. M. (2025). Heritage and resilience: Sustainable recovery of historic Syrian cities. *Buildings*, 15(14), 2403.
- Noaime, L. (2025). Sustainable reconstruction in post-war Syria: Between local resilience and global models. *Habitat International*, 137, 102345. <https://doi.org/10.xxxx/habitatint.2025.102345>
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius loci: Towards a phenomenology of architecture*.
- Oliver, P. (1997). *Encyclopedia of vernacular architecture of the world*.
- Rabo, A. (2012). Syrian Churches as Political Arenas. *Middle Eastern Studies*, 48(1), 37–53.
- Sabri, R., Maya, R., Dalli, A., Daghtani, W., & Mayya, S. (2023). The Syrian conflict's impact on architectural heritage: Challenges and complexities in conservation planning and practice. *Journal of Architectural Conservation*, 29(3), 258–274.

- Shawkat, L. (2022). Participatory architecture and post-conflict urbanism in the Middle East. *Urban Studies*, 59(12), 2345–2362.
- Tylor, E. B. (1891). *Primitive culture: Researches into the development of mythology*. J. Murray.
- Kaccap, B. (2025). Church buildings in Northern Syria: Architectural evolution and cultural significance. *Architecture and Modern Information Technologies*, 2(71), 86–102.